

نگاه احادیث به قیمت‌گذاری کالا چگونه است؟

علی (ع) به مالک می‌فرماید: «از احتکار باز دار؛ چرا که پیامبر خدا، آن‌را منع فرمود و باید خرید و فروش، آسان و بر موازین عدل باشد، با قیمت‌هایی که نه به فروشنده زیان رساند و نه به خریدار».



علی (ع) به مالک می‌فرماید: «از احتکار باز دار؛ چرا که پیامبر خدا، آن‌را منع فرمود و باید خرید و فروش، آسان و بر موازین عدل باشد، با قیمت‌هایی که نه به فروشنده زیان رساند و نه به خریدار».

به گزارش خبرگزاری مهر، «أسعار» جمع «سعر» به معنای آن چیزی است که ثمن با آن قوام پیدا می‌کند؛ [۱] یعنی قیمت، بها و ارزش. [۲] بنابراین، «سعر»؛ یعنی ارزش و آن مقدار عوضی که متاع را بدان می‌فروشند. به دیگر سخن؛ بر پایه آن، عوض جنس خریداری شده (ثمن) تعیین می‌شود. بنابراین، سعر خود عوض نیست، بلکه مقدار آن است. و «تسعیر» به معنای قیمت‌گذاری و تعیین نرخ می‌باشد. [۳]

واژه سعر؛ گاهی متصف به «رخص» و گاهی متصف به «غلاء» می‌شود. رخص به معنای ارزانی است [۴] و در اصطلاح به معنای افت قیمت و بهای یک کالا از حد متعارف خود در زمان و مکانی که نباید این اتفاق می‌افتاد و فروش آن به نرخ کمتر از نرخ اصلی، می‌باشد. [۵] و غلاء ضد رخص، به معنای گرانی است [۶] و به افزایش بیش از حد قیمت یک جنس در زمان و مکان غیر متعارف گفته می‌شود. [۷]

قیمت‌گذاری در احادیث

به پیامبر خدا(ص) گفته شد: خوب است برای ما قیمت بگذاری؛ زیرا قیمت‌ها بالا می‌روند و پایین می‌آیند. پیامبر فرمود: «من، چنان نیستم که خدا را دیدار کنم، در حالی که بدعتی نهاده باشم که او مرا در آن مجاز نفرموده است. پس اجازه دهید که بندگان خدا از [داد و ستد با] یکدیگر روزی بخورند، و هر گاه از شما اندرز خواستم، اندرزم دهید». [۸]

در سال قحطی، به پیامبر(ص) گفتند: ای پیامبر خدا! برای ما قیمت تعیین کن. پیامبر فرمود: «خداوند، مرا به سبب بر نهادن ستی در میان شما که مرا به آن امر نفرموده، بازخواست نخواهد کرد؛ اما فضل خدا را طلب کنید [تا قحط‌سالی از شما بگذرد]». [۹]

فرمان جاری کردن قیمت‌های عادلانه

امام علی(ع) در نامه خود به اشتر نخعی، آن‌گاه که او را به کارگزاری مصر گماشت، فرمود: «از احتکار باز دار؛ چرا که پیامبر خدا، آن‌را منع فرمود. و باید خرید و فروش، آسان و بر موازین عدل باشد، با قیمت‌هایی که نه به فروشنده زیان رساند و نه به خریدار». [۱۰]

استحباب فروختن به قیمتی پایین‌تر از قیمت بازار با انگیزه الهی

پیامبر خدا(ص)، در بازار به مردی برگذشت که خوراکی را با قیمتی پایین‌تر از قیمت بازار می‌فروخت. فرمود: «آیا در بازار ما، با قیمتی کمتر از قیمت ما می‌فروشی؟» گفت: آری. پیامبر فرمود: «به انگیزه شکیبایی و از خدا پاداش گرفتن؟» گفت: آری. آن‌حضرت فرمود: «تو را بشارت باد! همانا آورنده جنس به بازار ما، همانند جهاد کننده در راه خداست؛ و احتکار کننده در بازار ما، همانند کسی است که در کتاب خدا، کافر شمرده شده است». [۱۱]

طبق این حدیث؛ نباید کمبود کالا را تنها عامل گرانی کالا دانست؛ چنان‌چه در روایت مورد پرسش گفته شده- زیرا حتی اگر کمبود شدید هم باشد، اما عنصر ایثار و معنویت در میان مردم زنده باشد، شاید افرادی که مصداق آیه شریفه «يُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» و هر چند در خودشان احتیاجی [مبرم] باشد، آنها را بر خودشان مقدم می‌دارند» [۱۲] هستند، حاضر شوند اجناس را با قیمتی پایین‌تر به دست مصرف کننده برسانند. بر این اساس، در این موارد نیز، کمبود کالا نیز تنها عامل گرانی نیست، بلکه کمبود کالا به علاوه فقدان عنصر ایثار دو عامل گرانی قیمت‌ها می‌باشند.

جمع‌بندی محتوای احادیث قیمت‌گذاری

احادیث قیمت‌گذاری که ذکر شد به دو دسته ذیل تقسیم می‌شوند:

دسته یکم، احادیثی از پیامبر(ص) که به موجب آنها، ایشان، پیشنهاد قیمت‌گذاری‌ای را که مردم مطرح کردند، سخت رد کرده، آن‌را ستم و بدعت می‌شمارد.

دسته دوم، حدیثی که بر استحباب فروختن به قیمتی ارزان‌تر از قیمت بازار هنگامی که با انگیزه‌ای خدایی باشد دلالت دارد. احادیث دسته یکم، دلالت دارند که در نظام اسلامی، نمی‌توان برای کالاها قیمت‌گذاری کرد، اما این، خلاف فرمانی است که امیر مؤمنان علی(ع) به مالک اشتر داد تا قیمت‌ها را به صورتی عادلانه و دور از اجحاف، تنظیم نماید. برای روشن شدن مراد از این احادیث و دریافتن معنایی استوار و معین از آنها، پاسخ‌گویی به سؤالات زیر، ضرورت دارد.

۱. چرا در زمان خشک‌سالی، پیامبر(ص) قیمت‌گذاری را مردود دانست و آن‌را به سختی رد کرد؟ ۳. اگر نظام قیمت‌گذاری در اسلام مجاز نیست، چرا امام علی(ع) فرمان داد که قیمت‌ها عادلانه و دور از اجحاف، تنظیم شوند؟

۱. مخالفت پیامبر با قیمت‌گذاری

دسته‌بندی‌هایی که برای قیمت به آن اشاره شد، جایگاه و وظیفه دولت در مسئله قیمت‌گذاری را تبیین می‌کند؛ یعنی اگر قیمت‌گذاری دولتی به معنای پایین آوردن قیمت طبیعی کالا باشد، در حقیقت، ستم به تولید کننده و آسیب‌رسانی به حرکت تولید است.

شکی نیست که پایین آوردن تولید، موجب واپس‌ماندگی اقتصادی است و از این‌رو، دولت حق ندارد قیمت کالاها را پایین‌تر از قیمت طبیعی که با سختی تولید و وضع طبیعی بازار هماهنگ است، تعیین کند، حتی اگر بحران یا کمبود کالا پیش آمده باشد؛ بلکه وظیفه دارد با عوامل غیر طبیعی که قیمت‌ها را از حد طبیعی بالاتر می‌برند، رویارویی کند.

بر این اساس، روشن می‌شود که چرا پیامبر(ص) و امام علی(ع) با قیمت‌گذاری مخالفت کرده و ضمناً با احتکار هم ستیزیده‌اند. این موضعگیری، از سویی، از زیان و ظلم به تولید کننده پیشگیری می‌کند که این ظلم، خود، به پایین آمدن سطح تولید می‌انجامد و از دیگر سو، عوامل افزایش بی‌ضابطه قیمت‌ها را از میان می‌برد. [۱۳]

بدین ترتیب، فقیهانی که قیمت‌گذاری را به صورت مطلق غیر مجاز شمرده‌اند، ظاهراً به این معنا نظر داشته‌اند. [۱۴] حضرت آیت الله خویی(ره)، پس از فتوا دادن به جایز نبودن قیمت‌گذاری، گفته است: «بله! اگر فروشنده در قیمت‌گذاری اجحاف کند، چندان که گونه‌ای از احتکار شمرده شود، حاکم اسلامی از آن جلوگیری می‌کند تا مالک کالا به قیمت بازار یا قدری بیشتر که در حد توان خرید مردم باشد، آن کالا را بفروشد؛ مثلاً اگر بهای یک کیسه گندم، صد فلس باشد و احتکار کننده آن‌را به دو دینار بفروشد، این کار نیز نوعی احتکار است، چنان که پوشیده نیست». [۱۵]

۲. عادلانه بودن قیمت‌ها در روزگار امیر مؤمنان(ع)

با ملاحظه آنچه گذشت، روشن می‌شود که فرمان امیر مؤمنان علی(ع) به مالک برای آسان‌سازی خرید و فروش با موازین عادلانه و قیمت‌های متناسب با حق فروشنده و مشتری، نه تنها با موضع پیامبر(ص) در مخالفت با قیمت‌گذاری منافات ندارد، بلکه در همان سمت و سو؛ ولی از زاویه رویارویی با عوامل مؤثر در افزایش بی‌ضابطه قیمت‌ها است.

به بیان روشن‌تر؛ فرمان امام علی(ع) به مالک اشتر، تأکیدی است بر این‌که داد و ستد باید آسان باشد و قیمت‌ها با موازین عادلانه تنظیم گردد. بدین جهت، امام(ع) به وی فرمان نداده که قیمت‌ها را پایین آورد و تردیدی نیست که تنظیم قیمت‌ها با موازین عادلانه به معنای زیان رساندن به تولید کننده یا فروشنده نیست؛ بلکه همان‌سان که امام، خود، در فرمانش تصریح فرموده، هدف، آن است که قیمت‌ها به گونه‌ای تنظیم گردند که نه به فروشنده و نه به مشتری ستم روا نشود، و این، تنها هنگامی جامه تحقق می‌پوشد که دولت، زمینه مناسب را برای عرضه کالا به قیمت طبیعی فراهم آورد. [۱۶]

بر همین پایه است که شماری از فقیهان، فتوا داده‌اند که در صورت اجحاف فروشنده، حاکم می‌تواند به قیمت‌گذاری بپردازد. برای نمونه؛ در کتاب «مفتاح الکرامه» آمده است: «اگر فروشنده قیمت را ظالمانه تعیین کند؛ حاکم شرع، به قیمت‌گذاری می‌پردازد، زیرا این کار فروشنده موجب ضرررسانی به دیگران است که شرع، آن‌را نپذیرفته است». [۱۷]

امام خمینی نیز می‌نویسند: «و اما قیمت‌گذاری، در ابتدا جایز نیست؛ لیکن اگر فروشنده اجحاف کند، به ناچار باید قیمت را کاهش دهد، وگرنه حاکم شرع، او را ناچار می‌کند که کالا را به قیمت آن سرزمین یا به صلاح‌دید حاکم، بفروشد. پس روایات

دلالت کننده بر جایز نبودن قیمت‌گذاری، شامل این قبیل نمونه‌ها نمی‌شوند؛ زیرا در این حال، قیمت نگذاشتن، به احتکار منجر می‌شود، همان گونه که اگر فروشنده برای فرار از فروش کالا، قیمت را چنان تعیین کند که هیچ کس نتواند آن را بخرد، بدون اشکال حاکم شرع، حق تصمیم‌گیری دارد و آن روایات، شامل این حالت نمی‌شود». [۱۸]

اگر به این تحلیل‌ها توجه کنیم؛ نتیجه می‌گیریم که فتوای جایز نبودن قیمت‌گذاری، به قیمت‌گذاری در مقابل قیمت طبیعی نظر دارد؛ اما فتوای جواز، مربوط به قیمت‌گذاری و تعیین قیمت خاص در مقابل قیمت غیر طبیعی، به انگیزه رویارویی با عوامل ساختگی و ماورای افزایش قیمت‌ها به صورت وهمی و غیر واقعی است. بر این مبنا، میان فتوای فقیهان درباره قیمت‌گذاری، ناسازگاری یافت نمی‌شود.

پی نوشتها؛

- [۱]. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، تحقیق: حسینی، سید احمد، ج ۳، ص ۳۳۱، کتابفروشی مرتضوی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش.
- [۲]. بستانی، فؤاد افرام، مهیار، رضا، فرهنگ ابجدی عربی- فارسی، ص ۴۸۷، انتشارات اسلامی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۵ ش.
- [۳]. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، محقق و مصحح: میر دامادی، جمال الدین، ج ۴، ص ۳۶۵، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، دار صادر، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
- [۴]. زمخشری، محمود بن عمر، مقدمة الادب، ص ۲۷۲، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش؛ فرهنگ ابجدی عربی- فارسی، ص ۲۲۲.
- [۵]. جمعی از نویسندگان، شرح المصطلحات الکلامیة، ص ۱۵۶، آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق؛ دغیم، سمیع، موسوعة مصطلحات علم الکلام الإسلامی، ج ۱، ص ۶۱۰، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، چاپ اول، ۱۹۹۸ م.
- [۶]. لسان العرب، ج ۱۵، ص ۱۳۱؛ فرهنگ ابجدی عربی- فارسی، ص ۶۴۴.
- [۷]. ر. ک: شرح المصطلحات الکلامیة، ص ۲۴۴؛ موسوعة مصطلحات علم الکلام الإسلامی، ج ۱، ص ۸۵۷؛ ۸۵۸.
- [۸]. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۳، ص ۲۶۸، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.
- [۹]. ابو نعیم إصبهانی، أحمد بن عبد الله، معرفة الصحابة، تحقیق: عزازی، عادل بن یوسف، ج ۴، ص ۱۹۰۴، دار الوطن، ریاض، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق؛ ابن اثیر جزری، علی بن أبی الکریم، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، محقق: معوض، علی محمد، عبد الموجود، عادل أحمد، ج ۳، ص ۹۰، دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
- [۱۰]. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، محقق: صالح، صبحی، نامه ۵۳، ص ۴۳۸، هجرت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
- [۱۱]. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق: عطا، مصطفی عبد القادر، ج ۲، ص ۱۵، دار الکتب العلمیة، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.
- [۱۲]. حشر، ۹.
- [۱۳]. محمدی ری شهری و همکاران، حکمت نامه پیامبر اعظم(ص)، ج ۱۳، ص ۷۴، ۷۵، دار الحدیث، قم، ۱۳۸۶ ش.
- [۱۴]. گروهی از فقیهان، قیمت‌گذاری را غیر مجاز دانسته‌اند، از جمله: شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، ص ۳۷۴، دار الکتب العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۰ ق؛ ابن زهره حلبی، حمزة بن علی، غنیة النزوع إلی علمی الأصول و الفروع، ص ۲۳۱، مؤسسه امام صادق(ع)، قم، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق؛ محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، محقق و مصحح: بقال، عبد الحسین محمد علی، ج ۲، ص ۱۵، مؤسسه اسماعیلیان، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ق؛ محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن، المختصر النافع فی فقه الإمامیة، ج ۱، ص ۱۲۰، مؤسسه المطبوعات الدینیة، قم، چاپ ششم، ۱۴۱۸ ق. حتی در کتاب مفتاح الکرامة این نظر، اجماعی دانسته شده و چنین آمده: «به دلیل اجماع و خبرهای متواتر، آن گونه که در السرائر آمده، و نبودن اختلاف میان مسلمانان در این مسئله، چنان که در المبسوط آمده، و نبودن اختلاف میان شیعیان در این مسئله، آن سان که در التذکره آمده است»؛ حسینی عاملی، سید جواد، مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة، ج ۴، ص ۱۰۹، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ اول، بی‌تا.
- [۱۵]. موسوی خویی، سید ابو القاسم، مصباح الفقاهة (المکاسب)، مقرر: توحیدی، محمد علی، ج ۵، ص ۵۰۰، ۵۰۱، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا.
- [۱۶]. حکمت نامه پیامبر اعظم(ص)، ج ۱۳، ص ۷۵، ۷۶.
- [۱۷]. مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة، ج ۴، ص ۱۰۹.
- [۱۸]. امام خمینی، کتاب البیع، ج ۳، ص ۶۱۳، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(قدس سره)، تهران، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق.

